

**دلیل فروش اخراجی ها ۲ به قضاوت شما**

- ۱- شوخی با خط قرمزها ۴۴۴
- ۲- خنده دار بودن فیلم ۳۳۳
- ۳- بازی ستاره هادر فیلم ۱۱۲
- ۴- محتوای ارزشی فیلم ۳۳۳

**SMS**

۳۰۰۰ ۹۹۹ ۰۲



## دادگاه تفهیم اتهام مسعود دهنمکی به قضاوت همشهری جوان

# مسعود در جایگاه

## حاشیه‌هایی از سکناس به سکناس اخراجی ها ۲ هاچ بک یا صندوق دار

مهدی امیر پور

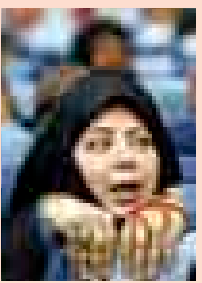
اینجا بخشی از نکات و صحنه‌های خاص فیلم «اخراجی های ۲» است که تنها پس از یک بار تماشای آن در ذهنمان ماند. جالب اینکه همان قدر که هم ما از تماشای این صحنه‌های باور نکردنی روی پرده عریض سینما شگفت زده بودیم، ملت اصلا کاری به آنها نداشتند و از ته دل می‌خندیدند.

● در ابتدای فیلم نوشته می‌شود: «تمام اتفاقات فیلم واقعی است و اسناد آن موجود است.» با این حال یکی از اصلی‌ترین خط‌های داستان که در آن هواپیمار بایی اتفاق می‌افتد و مسافران را به عراق می‌برد، خیالی است.



● زمانی که اسیران ایرانی می‌خواهند با تیم افسران عراقی بازی کنند، محمدرضا شریفی نیا نمک می‌ریزد که «می‌خواهم در پست‌ها یک بازی کنم». این تکه پرانی او با واکنش جوادهاشمی همراه می‌شود که «تو صندوق داری» و جالب اینجاست که اینها در دورانی این جور متلک می‌اندازند که اصلا پراید ساخته نشده است.

● موسیقی پایانی فیلم با یک تنبک و سازدهنی آغاز می‌شود و کمی بعد صدای ارکستر سمفونیک را می‌شنویم که موسیقی «ای ایران» را می‌نوازد. جالب اینکه روی صدای شهره لرستانی صدای یک خواننده سوپرانو را گذاشته بودند که کلی بازمه شده بود.



● در سکناس‌هایی که در هواپیما می‌بینیم، شهره لرستانی را تنها می‌بینیم. هر قدر گشتیم خبری از بچه‌های او نبود. پیش خودمان تصور کردیم حتما نمی‌خواهد بچه‌هایش را به مشهد ببرد اما وقتی مسافران هواپیما اسیر می‌شوند و شهره لرستانی سمت شریفی نیا می‌رود، می‌بینیم که بچه‌ها هم همراهش هستند. به هر حال اگر بچه‌ها در هواپیما بودند باید روی صندلی کنار مادرشان می‌نشستند که تا جایی که ما دیدیم، نبودند!

● احمد ایراندوست، فرمانده اردوگاه است؛ فارسی نمی‌فهمد و برای همین حرف‌هایش را حسام نواب صفوی ترجمه می‌کند. از یک جایی به بعد که نواب صفوی یاغی می‌شود، می‌فهمیم بیوک میرزایی یکی از افسران ارشد اردوگاه است، فارسی بلد است و او مترجم فرمانده می‌شود؛ اما سوتی ماجرا اینجاست که در بخش زیادی از فیلم بدون اینکه بیوک میرزایی حرف‌های اسیران ایرانی را برای فرمانده ترجمه کند، او به عربی جوابشان را می‌دهد.

● سرروضع دخترانی که در فیلم هستند، شباهتی به سرروضع دختران آن دوران ندارد. مهرآه شریفی نیا مانند تویی پوشیده که از آخرین مدل‌های مانتو است و شما آن را می‌توانید در ویتترین مانتو فروشی‌های میدان هفت تیر تهران ببینید. شبلا خداداد هم با آرایش غلیظ، شباهتی به مهمانداران آن دوران ندارد.

آقای مسعود دهنمکی، متولد سال ۱۳۴۸ صادره از آذربایجان شرقی، فوق دیپلم، سردبیر نشریات «شلمچه»، «جبهه» و «صبح»، شما به دلیل ساخت فیلم «اخراجی ها ۲» به دادگاه احضار شده‌اید؛ فیلمی که این روزها فروش بالایی دارد و مورد استقبال عموم قرار گرفته است. پس هر چند دادگاه می‌پذیرد که جذب کردن در صد زیادی از مردم آن هم در این سال‌های رکود سینما عملی قابل تقدیر است اما شما متهم هستید که برای جذب مردم از راه‌های غیر متعارف استفاده کرده و از اجتماع آنها سود سرشاری را نصیب خود کرده‌اید. رقم ۷ میلیاردی فروش فیلم نشان می‌دهد که مبلغ قابل توجهی در اختیار شما قرار گرفته و حالا مورد تفهیم اتهام قرار می‌گیرد. آقای دهنمکی، شما متهمید به سوء استفاده از ذائقه محدود شده مخاطب برای فروش بیشتر به ۳ دلیل:

الف. تحریف واقعیت جنگ و جلوه ارزشی بخشیدن به کار خارج از معیارهای شناخته شده ارزشی، طوری که خنده دار به نظر برسد و مشتری جذب کند. / ب. عبور از خطوط قرمز برای جلب استقبال بیشتر به شکلی که هیچ کارگردان دیگری جرات آن را ندارد (این کار ممکن است با استفاده از رانت صورت گرفته باشد). / ج. ارزان فروشی؛ یا بین آوردن سطح سلیقه مخاطب با عدم توانایی در ارائه یک فیلم خوش ساخت. فیلم شما در حالی رکورد فروش را شکسته که از استاندارد سینمایی ایران پایین تر است. دادگاه همشهری جوان با شکایت مدعی العموم در این پرونده تمام تلاش خود را می‌کند که عدالت رعایت شود.

### اتهام سوم ساختار ضعیف

متهم در ساخته بدون ساختار، بیننده را دچار سردرگمی می‌کند. شروع ماجرا حماسی است، بعد بدون مقدمه چینی وارد فضای هجو می‌شود، در هواپیما فضای طنز داریم، در اردوگاه فضای دراماتیک و بعد حماسی و بعد دوباره هجو. بین همه این فضاها هم یک فضای اخلاقی داریم که چند شخصیت تأیید شده و مورد نظر متهم تلاش می‌کنند پند بدهند و این کار را به بدترین شکل ممکن انجام می‌دهند.

همه این فضاها هم بدون وصله درست و حسابی پشت هم چیده شده است؛ یعنی تصویرها مدام در حال تغییر فضا هستند؛ آن هم یکدفعه‌ای و بدون مقدمه چینی. شاید به همین دلیل است که بیشتر توصیه کنندگان فیلم به یکدیگر می‌گویند «فتم خوش گذشت» اما نمی‌توانند بگویند که گریه‌شان گرفت، بعد خندیدند، بعد هم حس کردند در پیام‌های مستقیم به‌شان توهین شده است.

متهم همچنین با عدم توانایی خود در فیلمسازی، ملغمه‌ای ساخته که کیفیت ساختارش بسیار پایین‌تر از کیفیت استاندارد یک فیلم معمولی ایرانی - نه حتی فیلم‌های درجه یک - است. دهنمکی همچنین از امکاناتی که در اختیارش بوده، به بدترین نحو ممکن استفاده کرده است.

عدم دقت در انتخاب لباس، گریم بازیگران - باتوجه به زمان و مکان وقوع اتفاق - دیالوگ‌ها و اشتباه در جزئیات بسیار ساده، دلایلی هستند که به ضعیف‌تر شدن ملغمه دهنمکی کمک می‌کنند.

بدترین قسمت ماجرا این است که متهم از قسمتی از ساخته‌اش به عنوان قدرت نام می‌برد که کاف بسیار بزرگی دارد. دهنمکی می‌گوید فیلمی با روایت موازی - هواپیما و اردوگاه - ساخته اما دزدیدن هواپیما نهایتاً در ۳ ساعت انجام می‌شود و داستان اردوگاه ۳ روز طول می‌کشد.

جالب اینکه هر دو باهم شروع می‌شوند و باهم تمام می‌شوند. فکرش را بکنید، ۳ ساعت مساوی ۳ روز. اتهام دهنمکی در این بند، ساختن چیزی است که نمی‌شود به آن فیلم گفت.

### اتهام اول بازی با ارزش‌ها و تحریف واقعیت

اخراجی ها ۲ چند شخصیت دارد که حرف‌های جدی می‌زنند و چند شخصیت که دل‌فک بازی درمی‌آوردند. سید جوادهاشمی، فخرالدین صدیق شریف و یکی دو نفر دیگر هستند که در هواپیما و اردوگاه بیانگر دیدگاه‌های ارزشی متهم هستند. با این حال استقبال تماشاگران از سکناس‌هایی است که دارودسته اوباش در اردوگاه حرکات موزون رها می‌کنند. این اتهام وجود دارد که دهنمکی با استفاده از چند سکناس نمادین که حرف‌های قلبیه توی دهان شخصیت‌های فیلم گذاشته، در جاهای دیگر یک کمدی روحی ساخته است. به هر حال اگر دهنمکی فیلم کمدی ساخته، دیگر جایی برای بیانیتهای سیاسی و ارزشی نمی‌ماند که انگار شخصیت‌ها آن را از روی کاغذ می‌خوانند؛ ضمن اینکه کدام اردوگاه در زمان جنگ این طور بود؟ این اردوگاه بیشتر به ندامتگاه دزدان قصر می‌ماند. نصف آدم‌های اردوگاه همدیگر را راحت می‌فروشند؛ کجا همچین چیزی بوده؟ در اردوگاه وسایل موسیقی فراهم است و عراقی‌ها هم خنکند. اسرا یک جازیر خاکند و در تونل وحشت، یک ساعت بعد مشغول بزنج و بکوب او متهم است به اینکه با جاکردن چند صحنه ارزشی در فیلم، هر کار دیگری که خواسته، کرده و آخرش هم نام فیلم را گذاشته «ارزشی».

### اتهام دوم اتهام عبور از خط قرمزها

متهم در «اخراجی ها ۱» به مراتب بیشتر از فیلم تازه‌اش از خطوط قرمز رد شد ولی این یکی هم کم عبور از خط قرمز ندارد که تماشاگر را اول روی صندلی میخ‌کند، بعد او را از فرط تعجب بخنداند؛ مثلاً در اردوگاه عراقی‌ها به امیر دود (امیر فضلی) که معتاد است، بند می‌کنند که تو روحانی هستی؟! یا صحنه برخورد شهره لرستانی با سرباز عراقی که زبانش را نمی‌فهمد و سعی می‌کند با زبان ایما و اشاره کارش را پیش ببرد. حاجی گیر بنف هم که مذهبی است، آخر سر، سر از دارودسته آدم‌فروش‌ها درمی‌آورد. پسر امیرزا هم با همه الدرمد بلدرم، در هواپیما به سمت منافقین می‌رود. در اردوگاه هم مدام آهنگ آن‌ورایی «او یلا لیلی» همراه با حرکات موزون اجرا می‌شود و بعد هم بلافاصله پیام اخلاقی جوادهاشمی و حاج‌آقا در مذمت این کارها و این ماجرا مدام تکرار می‌شود. عبور از خطوط قرمز سیاسی بد نیست و جسارت خوبی است اما متهم با استفاده از موقعیت و رانت خود این کار را کرده؛ موقعیتی که در اختیار بقیه کارگردان‌ها نیست.

